

دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذر یزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعادت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعادت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج: ۲۸×۲۲ س م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵؛ ج: ۱؛ ۹۶۴-۷۵۳۱-۴۰-۰؛ ج: ۲؛ ۹۶۴-۷۵۳۱-۶۲-۱؛ ج: ۳؛ ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۹۰-۰؛ ج: ۴؛ ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۲۱-۷؛ ج: ۵؛ ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۳۱-۹۰-۰؛ ج: ۶؛ ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۸۳-۵؛ ج: ۷؛ ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۵-۲۳-۶؛ ج: ۸؛ ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴.
وضعیت فهرست‌نویسی	فابا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج: ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج: ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج: ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج: ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فپا).
یادداشت	ج: ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فپا).
یادداشت	ج: ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فپا).
یادداشت	ج: ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فپا).
مندرجات	ج: ۱. آب-برزویه. ج: ۲. برندق خجندی-حیرتی تونی. ج: ۳. خارزنجی-سنایی غزنوی. ج: ۴. سندبادنامه-فردوسی. ج: ۵. فردوسی ثانی-مسرور طالقانی. ج: ۶. مسعود، محمد-یونس. ج: ۷. ذیل: آتشی، منوچهر-یونکر، هاینریش. ج: ۸. ذیل ۲: آذریزدی، مهدی-یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی-دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ ۷ د ۳ / PIR ۳۳۲۱
رده‌بندی دیوبی	۸ فا ۰/۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴ (ج ۸. ذیل ۲) ISBN 978-622-5305-72-4 (vol.8 Supplement II)

ISBN 964-7531-26-5 (set)

شابک ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵ (دوره)

فارسی، بر اثر مطالعه مستمر نثر پاکیزه فارسی و انس با نوشته‌های صاحب‌قلمانی چون علی دشتی و سعید نفیسی* و مراجعه به کتابهایی مانند در مکتب استاد و دستور زبان فارسی محمدجواد مشکور* و دستور زبان فارسی پرویز ناتل خانلری* در ذهنش نقش بسته بود. مطلقاً اصراری به تبدیل کلمات عربی به فارسی نداشت و ویرایش زبانی را از دیدگاه افراط در فارسی‌گرایی یا سرنویشی اعمال نمی‌کرد. در عین حال، به حفظ هویت زبان فارسی تعلق خاطر داشت و معمولاً ترکیباتی چون علی‌الخصوص، علی‌ای حال، علی‌حده، علی‌هذا و علی‌رغم را به صورت به‌خصوص، به هر حال، جداگانه، بنابراین و به‌رغم می‌نوشت. در مسئله رسم‌الخط فارسی، تمایل او بیشتر به پیوسته‌نویسی بود و «ها»ی جمع و «به» «قید و صفت» ساز را متصل به کلمه می‌نوشت. اما از «اتصال‌نویسی» مغایر با روح رسم‌الخط فارسی سخت انتقاد می‌کرد. در دست‌نوشته تمام آثار او، اعم از تألیف، ترجمه و شرح، همه قواعد ویراستاری، از اعمال رسم‌الخط گرفته تا نشانه‌گذاری و پاراگراف‌بندی و رعایت فاصله و نوع حروف و سطر و عنوان‌بندی، به تمام ملاحظه می‌شد. پرویز اتابکی همچنین از گروه مؤلفان «شیوه‌نامه ویراستاری و نسخه‌برداری» در سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی بود که در آن سازمان به استناد آن متنها برای انتشار آماده می‌شد.

پرویز اتابکی از نوجوانی با شعر و ادب کهن فارسی و عربی مأنوس بود و، به تفتن، شعر هم می‌سرود. اشعار او در قالبهای کهن سروده شده است و جنبه‌ای ادیبانه دارد. بیشتر اشعار او هنوز منتشر نشده است (برای دیدن نمونه‌هایی از اشعار اتابکی، نک: اتابکی، «دریغ از اخوان که رفت»، ص ۸۷-۸۹).

منابع: اتابکی، پرویز، آنجا که دربار دربان شد، نقد و بررسی کتاب فرزانه، ش ۷، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۳؛ همو، «توضیح ویراستار»، نک: فردوسی، شاهنامه فردوسی (متن آسان‌خوان)، همو، «خاطره‌ای درباره پیری پیرو اصول»، نقد و بررسی کتاب فرزانه، ش ۵، تهران، آبان ۱۳۸۲؛ همو، «خصوصیات ترجمه حاضر»، نک: حموی؛ همو، «درباره شاهنامه»، بخارا، ش ۱۱، تهران، فروردین ۱۳۷۹؛ همو، «دریغ از اخوان که رفت»، نک: باغ بی‌برگی؛ همو، فرهنگ جامع کاربردی فرزانه (عربی - فارسی) از دیرینه ایام تا نوترین واژگان علم و ادب، تهران، ۱۳۷۸؛ همو، «زندگی‌نامه فرهنگی پرویز اتابکی» (دست‌نوشته منتشر نشده)، تهران، شهریور ۱۳۷۹؛ همو، «قرارداد ایران و افغانستان بر سر رود هیرمند»، نقد و بررسی کتاب فرزانه، ش ۹، تهران، مرداد ۱۳۸۳؛ همو، «مقدمه»، نک: فردوسی، شاهنامه فردوسی (شاهنامه فرزانه)، تهران، ۱۳۷۸؛ همو، «واژه‌نامه شاهنامه»، تهران، ۱۳۷۹؛ همو، «یادداشت مترجم»، نک: نصرین مزاحم؛ همو، «یادی از دو بزرگوار نکوکردار»، نقد و بررسی کتاب فرزانه، ش ۸، تهران، مرداد ۱۳۸۳؛

افشار، ایرج، فهرست مقالات فارسی، تهران، ۱۳۸۴؛ همو، «خادمان گذشته شاهنامه و شاهنامه دلپذیر فرزانه»، بخارا، ش ۹ و ۱۰، تهران، آذر - اسفند ۱۳۷۸؛ باغ بی‌برگی (یادنامه مهدی اخوان ثالث)، به‌کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۰؛ حموی، جمال‌الدین، تاریخ آریویان، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، ۱۳۸۳؛ خرمشاهی، بهاء‌الدین، «فرهنگ فرهیختگان»، بخارا، ش ۸۸-۸۷، تهران، خرداد - شهریور ۱۳۹۱؛ خطیبی، ابوالفضل، «متن انتقادی یا متن دلخواهی»، نشر دانش، س ۱۷، ش ۱ (پیاپی ۹۵)، تهران، بهار ۱۳۷۹؛ الشیال، جمال‌الدین، «مقدمه مصحح»، نک: حموی؛ ضیاء ظریفی، ابوالحسن، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران)، تهران، ۱۳۹۵؛ عباسی، علی‌اکبر، «سفرنامه ابن جبیر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۷۷ و ۷۸، تهران، اسفند ۱۳۸۲ و فروردین ۱۳۸۳؛ عبدالسلام محمد هارون، «مقدمه چاپ نخست»، نک: نصرین مزاحم؛ فردوسی، شاهنامه فردوسی (متن آسان‌خوان)، بر اساس تصحیح ژول مول، به‌کوشش پرویز اتابکی، تهران، ۱۳۷۵؛ همو، شاهنامه فردوسی (شاهنامه فرزانه)، تصحیح پرویز اتابکی، تهران، ۱۳۷۸؛ کاخی، مرتضی، «یاد ایام شکوه»، نقد و بررسی کتاب تهران، ش ۱۸، تهران، اسفند ۱۳۸۵؛ موجانی، سیدعلی، با همکاری سیدباقر سخانی، فرهنگ رجال و کارگزاران دیپلماسی ایران، تهران، ۱۳۹۱؛ مهرکی، ایرج، «فرهنگ شاهنامه»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۳۸، تهران، آذر ۱۳۷۹؛ نصرین مزاحم، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، ۱۳۶۶؛ ورجاوند، بهرام، «واژه‌نامه شاهنامه»، (شامل شرح لغات، اصطلاحات، نامها و جایهای شاهنامه)، ایران‌شناخت، ش ۱۸-۱۹، تهران، ۱۳۷۹؛ همایون‌پور، هرمز، «پرویز اتابکی، کارشناس دنیای عرب»، نقد و بررسی کتاب فرزانه، ش ۱۱، تهران، بهار ۱۳۸۴؛ همو، «به یاد پرویز اتابکی»، نقد و بررسی کتاب تهران، ش ۱۲، تهران، تابستان ۱۳۸۴؛ یوسفی، غلامحسین، «جنگ صفین، واقعه‌ای مهم در تاریخ اسلام»، نشر دانش، س ۷، ش ۶ (پیاپی ۴۲)، تهران، مهر - آبان ۱۳۶۶؛ فرهاد طاهری

اخلاق علایی. کتابی در حکمت و اخلاق عملی از هبة‌الله بن عطاء‌الله بن لطف‌الله بن سلام‌الله بن روح‌الله حسینی شیرازی، معروف به «شاه‌میر»، از علما و دانشمندان سده نهم ق. سال تولد او در منابع نیامده، اما در شیراز به دنیا آمده و در همان جا پالیده است. عبدالحی حسینی (ج ۴، ص ۳۸۸) او را شاگرد «شیخ صدرالدین شیرازی صاحب اسفار اربعه» دانسته که وجهی ندارد، زیرا ملأصدرا* در سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ ق به دنیا آمده است، حال آن‌که شاه‌میر در اواخر سده نهم، یعنی حدود یک صد سال پیش از ولادت ملأصدرا درگذشته است. رکن‌زاده آدمیت (ج ۳، ص ۲۳۲) سخن صاحب نزهة الخواطر را اصلاح کرده و نوشته است که او در محضر «آخوند مولى صدر حکیم

نخست هر باب شامل دو «اصل» است که در اصل نخست، فروغ و انواع موضوع آن باب و در اصل دوم، اضداد آن همراه با فروغش در دو «قسم» کئی و کیفی آمده است. فصلهای دوم به امراض مربوط به این چهار فضیلت و راههای علاج آنها اختصاص یافته است. مؤلف، در مقدمه، هدف از تألیف کتاب را آشتی میان عقل و نقل و یا تلفیق حکمت و شریعت عنوان کرده است. او بر آن است که تألیفات حکمای پیشین در حوزه «علم اخلاق و سیاست مدنی» یا «مطلقاً بر مبنای آراء حکما و اهل نظر» فراهم آمده و از «مؤیدات سمعی خالی» است، و یا در آنها به «ظواهر شرعیه» اکتفا و «از دلایل عقلی و حکم نظری» اعراض شده است. بنابراین، او تصمیم گرفته است تا «منزلی بین المنزّلین اختیار کند و حکم حکما را معتضد به کتاب و سنت گرداند» (نک: حسینی شیرازی، ص ۳۶). به گفته خودش، به رغم آنکه نوشتن به زبان فارسی «شیوه مألوف و طریق معهود» او نبوده، برای نزدیک تر کردن مطالب کتاب به فهم همگان و فراهم نمودن امکان استفاده «عام و خاص» از آن، «تقریباً للأفهام و تعمیماً للتفع علی الخاص و العام»، زبان فارسی را برای نگارش این اثر برگزیده و کوشیده است تا از «عموضت و زواید» دوری کند (همان، ص ۳۸).

مؤلف، علاوه بر آیات و اخبار و احادیث، در جای جای کتابش به امثال و حکم و اشعار عربی و فارسی نیز استناد کرده است. احادیثی که او در کتاب به آنها استشهد کرده، عموماً نبوی و اندکی هم از امام علی (ع) است. برخی از اشعار عربی نقل شده در کتاب در زمره اشعار منسوب به امام علی (ع) و برخی دیگر سروده شاعرانی همچون شافعی، عمران سدوسی، ابن نباته، ابن رومی، ابونواس*، ابوتّمّام و بشّارین برد* و ابیات فارسی کتاب از شاعران مشهوری چون انوری*، سنایی غزنوی*، سعدی*، نظامی گنجوی*، احمد غزّالی*، جلال الدّین محمّد بلخی*، اوحدی مراغه‌ای* و حافظ* است.

اگرچه مؤلف تنها چهار بار از خواجه نصیرالدّین طوسی* یاد کرده است (نک: همان، ص ۴۵، ۶۶، ۱۰۵، ۱۰۸)، اما شالوده اثرش مبتنی بر کتاب اخلاق ناصری* است؛ تا آنجا که در این کتاب تنها برخی از مباحث کتاب خواجه را شرح و بسط داده است. گذشته از یک مورد استثنا که شاه‌میر از فصل ششم قسم اوّل از مقالات نخستین اخلاق ناصری، یعنی «در بیان آنکه کمال نفس در چیست»، سود جسته است، در بقیّه موارد از بخش مقاصد مقالات اوّل آن کتاب، یعنی بخش دوم «تهذیب اخلاق» بهره برده است. بنابراین، اگرچه در مقدمه بابهای چهارگانه رساله خود به ذکر دلایل و میزان احتیاج سلاطین به آن صفات پرداخته است، اما مستقیماً از دو بخش «تدبیر منزل» و «سیاست

شیرازی» علم و حکمت آموخت که به احتمال بسیار منظور از این حکیم، میر صدرالدّین دشتکی شیرازی (متوفی ۸۸۳ ق)، پدر غیاث‌الدّین منصور دشتکی* بوده است (یا حقی و ساکت، ص ۸-۹). شاه‌میر علم قرائت و حدیث را نزد جدّ مادری‌اش، نورالدّین ابوالفتوح طاووسی، فراگرفت و از دست او خرقه زهد پوشید و مدّتی در خدمت او به سیر و سلوک پرداخت. شاه‌میر سرانجام به مصاحبت عارف بزرگ روزگار خود، روشنی تبریزی (متوفی ۸۹۱ یا ۸۹۲ ق) نایل شد و از او اجازه ارشاد گرفت و در سال ۸۹۸ ق، در عصر سلطان محمودشاه کبیر (احتمالاً، محمودشاه اوّل، حک: ۸۶۳-۹۱۷ ق) به گجرات رفت و در شهر «جان پانیر» رحل اقامت افکند و به ارشاد خلق پرداخت (حسنی، ج ۴، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ رکن‌زاده آدمیت، ج ۳، ص ۲۳۳؛ حکیمان، ج ۲، ص ۱۶-۱۷). از تاریخ و محلّ درگذشت او اطلاعی در دست نیست، اما به احتمال بسیار در هند درگذشته است. منزوی (فهرست نسخه‌های خطّی فارسی، ج ۱، ص ۲۷۶) سال درگذشت او را بدون ذکر منبع، ۸۹۸ ق نوشته است که، احتمالاً، از سال تحریر نهایی کتاب به دست مؤلف چنین نتیجه‌ای گرفته است (ساکت، «بررسی تطبیقی اخلاق علایی و اخلاق ناصری»، ص ۵۹۴).

به جز اخلاق علایی، آثار دیگری نیز به نام شاه‌میر ثبت شده است که عمده آنها به زبان عربی و در موضوعات منطق، حدیث، هیئت، کلام و حکمت است و شماری از آنها عبارت‌اند از: *أسنى الکواشف فی شرح المواقف، المحاکمة علی شرح الشّمسیه فی المنطق، رساله فی الهیة، رساله فی اصول الحدیث، رساله فی المسلسلات، شرح تهذیب المنطق و الکلام، لوامع البرّهان فی قیّد القرآن* (حسنی، ج ۴، ص ۳۸۹؛ رکن‌زاده آدمیت، همان‌جا)، و تنقیح مقاله در توضیح رساله که شرح هیئت قوشچی و حاشیه هیئت نیز خوانده شده است (منزوی، همان‌جا). شاه‌میر اخلاق علایی را در سال ۸۸۲ ق به نام سلطان علاءالملک نوشته و شانزده سال بعد در ۸۹۸ ق در کتاب دست برده و آن را تصحیح کرده است (مدرّس تبریزی، ج ۳، ص ۱۷۴). بنابراین، سخن نفیسی (ج ۱، ص ۲۶۳) که گفته است او از ۸۸۲ تا ۸۹۸ ق مشغول تألیف این اثر بوده، نادرست است. اخلاق علایی از یک مقدمه و چهار باب تشکیل شده است. مقدمه خود شامل سه فصل است که به ترتیب در آنها به «تعریف خلق و اقسام آن»، «احتیاج خلائق به سلاطین» و «معنی سلطنت» پرداخته شده است. چهار باب کتاب عبارت‌اند از: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت که هر باب مشتمل بر یک مقدمه و دو فصل است. در مقدمه هر باب عموماً تعریف عنوان باب و ذکر دلایل و میزان احتیاج سلاطین بدان آمده است. فصل

مدن» کتاب خواجه استفاده نکرده است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که او بخشهای دوم و سوم کتاب اخلاق ناصری (تدبیر منزل و سیاست مدن) را به احتیاج سلاطین به چهار فضیلت اساسی حکمت، عفت، شجاعت و عدالت تقلیل داده است (ساکت، همان، ص ۵۹۵-۵۹۶). علاوه بر این، مقایسه اخلاق علایی و اخلاق ناصری نشان می‌دهد که استفاده شاه‌میر از آیات و احادیث بسیار بیشتر از خواجه نصیرالدین طوسی بوده است. بنابراین، به رغم ادعای او در اختیار منزلی میان دو منزل حکمت و شریعت یا عقل و نقل، در عمل، وجه نقلی کتاب بر وجه عقلی آن غلبه کرده است (همان، ص ۶۰۱). برخی بر این باورند که اخلاق علایی نمونه خوبی است از سرانجام راهی که خواجه نصیر در اخلاق‌نگاری با تلفیق حکمت یونانی و شریعت اسلامی آغاز کرد و در نهایت به تهی شدن حکمت عملی از معنا و مفهوم اصلی خود انجامید (همان، ص ۶۰۲-۶۰۳).

نثر کتاب تحت تأثیر نحو عربی و آمیخته به واژه‌ها و ترکیبات تازی است؛ برای نمونه، مؤلف بیش از حد معمول از صفات تفضیلی عربی همچون اخف، ادنی، اضلّ، اقرب، احسن، اقیح و... استفاده کرده است؛ اغلب صفت و موصوفها را در تذکیر و تأنیث مطابقت داده است: اخلاق حمیده (حسینی شیرازی، ص ۳۳)، قوه نظّیه (همان، ص ۳۶) و جز آن. تعبیرات، جمله‌ها و شبه‌جمله‌های کاملاً عربی نیز در کتاب فراوان است: من حیث التّفَضُّل و التّبرّع (همان، ص ۷۹)؛ علی قیاس ماسَبَق (همان، ص ۸۰)؛ عند الشّرع و العقل (همان، ص ۱۰۳) و جز آن. کلمات کم‌کاربرد عربی: ائتداب (همان، ص ۳۸)، انعماس (همان، ص ۵۹)، استیناس (همان، ص ۳۵)، تذمر (همان، ص ۹۶)، استشاطه (همان، ص ۹۹) و... به وفور در نثر کتاب به کار رفته است. مؤلف در موارد متعدّد ترکیب‌هایی خوش‌ساخت و متناسب نیز ابداع کرده است: قدس پرواز (همان، ص ۳۵)، ملک سپاه (همان، ص ۳۴)، برق رکاب (همان، ص ۳۴)، ظلمت آباد (همان، ص ۳۴)، عدالت شعار (همان، ص ۳۷) و نابودن همت (همان، ص ۸۰).

از دیگر وجوه اهمیت اخلاق علایی، بیتی است به زبان شیرازی قدیم (همان، ص ۱۰۲) از روزبهان بقلی شیرازی* که از نظر تاریخ زبان فارسی و بررسی گویش قدیم شیراز اهمیت بسزایی دارد (نک: فیروزبخش، ص ۳۷۸-۳۸۰). همچنین مؤلف از حافظ با تعبیر «لسان‌الوقت» (حسینی شیرازی، ص ۱۰۴) یاد می‌کند و از شعر او تلقی عرفانی و قدسی دارد.

اخلاق علایی در فهرست‌ها به «آداب سلطنت» شهرت یافته است (برای نمونه، نک: اوکتایی، ج ۲، ص ۳۳۶؛ منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲/۲، ص ۱۵۱۴؛ همو، فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۶، ص ۲۶۹؛ مشار، ج ۶، ستون

۷۶۷؛ آقابزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۲۰) که علت آن یادداشتی است بر ظهر برگ نخست دست‌نویس کتابخانه آستان قدس رضوی، به تاریخ ۱۵ جمادی‌الاولی سال ۱۱۰۷ق که موضوع کتاب را به‌طور کلی «رساله در اخلاق و آداب سلطنت» نوشته است. این نام در ظهیریه‌های دیگر نیز که تاریخ کتابت متأخّرتری دارند، تکرار شده و از آنجا به فهرست‌ها راه یافته است (ساکت، همان، ص ۶۰۴)، حال آنکه مؤلف آن را به نام مددوح خود، «علاءالملک»، اخلاق علایی نامیده است (نک: حسینی شیرازی، ص ۳۸). این اشتباه سبب شده است که دست‌نویسی به نام «آداب سلطنت و وزارت» که در کتابخانه امیرالمؤمنین نجف نگهداری می‌شود، در زمره نسخه‌های خطی اخلاق علایی ثبت شود (نک: منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، همان‌جا)، حال آن‌که هیچ ارتباطی با این کتاب ندارد و تنها نام آن شبیه نام فرعی کتاب شاه‌میر یعنی «آداب سلطنت» است (نک: ساکت، «نویافته‌ها درباره کتاب اخلاق علایی»، ص ۲۶-۲۷). به هر حال، تا آنجا که می‌دانیم، از اخلاق علایی دو نسخه در دسترس است: یکی نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به شماره ۳۴۵۷ که با عنوان «آداب سلطنت» در زمره کتب اخلاق ثبت شده است (اوکتایی، همان‌جا) و برخلاف آنچه در فهراس آمده، تاریخ کتابت ندارد (نک: یاحقی و ساکت، ص ۱۹-۲۰)، و دیگری نسخه کتابخانه مؤسسه کاما-گنجینه مانکجی در بمبئی کتابت به تاریخ ۱۲۸۶ق (نک: غروی، ص ۷۷).

اخلاق علایی در سال ۱۳۸۹ش، براساس نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس، به کوشش محمدجعفر یاحقی و سلمان ساکت تصحیح و در سلسله انتشارات فرهنگستان هنر به چاپ رسیده است.

منابع: آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۸م؛ اوکتایی، عبدالحی، فهرست کتب کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۰۵ش؛ حسینی، عبدالحی بن فخرالدین، نزهة الخواطر و بهجة المسامع والنواظر، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۸ق؛ حسینی شیرازی، هبة‌الله بن عطاءالله، اخلاق علایی، به کوشش محمدجعفر یاحقی و سلمان ساکت، تهران، ۱۳۸۹ش؛ حکیمیان، ابوالفتح، فهرست مشاهیر ایران، تهران، ۱۳۵۷ش؛ خواجه‌پژوهی (مجموعه مقالاتی به قلم گروهی از نویسندگان)، به کوشش عبدالله صلواتی، تهران، ۱۳۹۰ش؛ رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، تهران، ۱۳۳۹ش؛ ساکت، سلمان، «بررسی تطبیقی اخلاق علایی و اخلاق ناصری»، نک: خواجه‌پژوهی؛ همو، «نویافته‌ها درباره کتاب اخلاق علایی»، گزارش میراث، دوره ۲، س ۵، ش ۴۲ و ۴۳، تهران، آذر-اسفند ۱۳۸۹ش؛ غروی، سیدمهدی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی بمبئی-کتابخانه مؤسسه کاما-گنجینه مانکجی، اسلام‌آباد، ۱۳۶۵ش / ۱۹۸۶م؛ فیروزبخش، پژمان، «بیتی از روزبهان بقلی به گویش قدیم شیرازی»، بخارا، ش ۸۷-۸۸، تهران-خرداد-شهریور

اهمیت کلی تعلیم‌گرایی در غرب است. ادبیات تعلیمی اساساً معنی‌گراست، اما در شکل‌های مختلف دیده می‌شود. ضرب‌المثلها، کلمات قصار و گزین‌گویه، وصیت‌نامه، اندرز و پندنامه، قصه و مثل عامیانه، داستان، حکایت تمثیلی، داستانهای حیوانات و مجلس‌گویی از رایج‌ترین صورتهای ادبیات تعلیمی است که از دیرباز وجود داشته و بسیاری از آنها تا به امروز نیز به کار می‌رود. دامنه ادبیات تعلیمی در ایران بسیار وسیع است و از متلهای عامیانه‌ای همچون «دویدم و دویدم...» که به صورت ابتدایی، اهمیت همکاری و داد و دهش در زندگی اجتماعی را به کودک می‌آموزد تا حکایتهای عمیق نظامی گنجوی* و سعدی* را دربر می‌گیرد.

ادبیات تعلیمی به قصد سرگرم کردن نوشته نمی‌شود، هرچند استفاده از سرگرمی در آن غیر معمول نیست؛ همچنین آثار تعلیمی ممکن است گاه دارای نتیجه‌گیری صریح یا ضمنی باشد و گاه درک این نتایج نیازمند شرح و تفسیر باشد. ادبیات تعلیمی غالباً با انواع ادبی دیگر آمیخته است، زیرا همه انواع ادبی، به‌ویژه در دوران قدیم، با هدف تعلیم، به معنای وسیع آن، نوشته می‌شدند تا آنچه را مقصود و آرزوی انسان است در خود جای دهند و رؤیای او را برای دست‌یافتن به نیکیبختی و سعادت همگانی منعکس سازند. هر گاه رنگ و بوی پرورشی و تعلیمی در اثری برجسته‌تر باشد می‌توان به آن عنوان «اثر تعلیمی» داد؛ در غیر این صورت، ممکن است صرفاً رگه‌هایی از «درونمایه‌های تعلیمی» در آثار ادبی مختلف نمایان باشد. ادبیات تعلیمی غالباً در ترکیب با درونمایه‌های اجتماعی، حکمی، عرفانی، معنوی و انواع دیگر شکل می‌گیرد و اصولاً هیچ اثر ادبی بزرگی در جهان نیست که به کلی از درونمایه‌های تعلیمی تهی باشد. اگر چه این نوع ادبی، گاه صورت «بیان منظوم عقاید» و نصایح اخلاقی خشک به خود می‌گیرد، شاعران و نویسندگان ایرانی کوشیده‌اند با افزودن حکایات و استفاده از صور خیال و موسیقی شعر و دیگر ترفندهای ادبی و هنری، بر جذابیت آن بیفزایند و آن را دلپذیرتر کنند.

اگرچه در عصر جدید، با برجسته‌تر شدن معیارهای فردی به جای قواعد عام، و با پیچیدگی نظم جهانی، مفهوم اخلاق با تفسیرهای مختلفی همراه شده و القائات ایدئولوژیک به شیوه‌های پیچیده‌ای انجام می‌شود، اما ادبیات جهان هنوز از درونمایه‌های اخلاقی و تعلیمی تهی نیست. این درونمایه‌ها بیشتر با تکرار و بازنشر صورتهای گذشته و یا احیای آنها در قالبی جدید (مانند کارتون‌ها یا فیلمهای نمادین) متجلی می‌شود و گاه به شکلی

۱۳۹۱ش؛ مدرّس تبریزی، محمدعلی، ریحانة‌الأدب، تهران، ۱۳۷۴ش؛ مشار، خانابا، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، بی‌جا، ۱۳۴۰ش؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۴۸-۱۳۴۹ش؛ هو، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران، ۱۳۸۱ش؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ یاحقی، محمدجعفر و سلمان ساکت، «مقدمه»، نک: حسینی شیرازی، سلمان ساکت

ادبیات تعلیمی. به آن دسته از آثار ادبی گفته می‌شود که با هدف پرورش اخلاقی انسان و بهبود روابط فردی و اجتماعی به وجود آید. ادبیات تعلیمی ممکن است مستقیماً به آموزش یکی از علوم نظری یا عملی یا یکی از هنرها بپردازد. دانشنامه میسری در طبّ (قرن چهارم) و نصاب‌الصّبیان* ابونصر فراهی (قرن هفتم) نمونه‌هایی از این آثار است. برخی آثار تعلیمی ممکن است به گونه‌ای تخیلی و تمثیلی و در قالبی روایی، با برهان و استدلال، به معرفی یا ترویج نظریه‌ای خاص بپردازند. داستانهای تمثیلی ابوعلی سینا* از آن جمله است. بنابراین، این گونه آثار با دیگر آثار ادبی که صرفاً به منظور لذّت بخشیدن یا سرگرمی نوشته می‌شود، متفاوت است (شفیعی کدکنی، «انواع ادبی و شعر فارسی»، ص ۱۱۷-۱۱۸). برخی از آثار تعلیمی از این حدود فراتر می‌روند و جنبه ادبی و هنری وسیع‌تر و عمیق‌تری می‌یابند. بوستان* سعدی نمونه شاخص چنین آثاری است. ادبیات تعلیمی از قدیم‌ترین انواع ادبی* است و کمابیش نزد همه ملّتها یافت می‌شود. از نمونه‌های قدیم ادب تعلیمی در یونان کارها و روزها و تئوگونی^۱ اثر هزیود^۲ (قرن هشتم ق.م) را می‌توان نام برد که اولی دستور زراعت به همراه آداب اخلاقی و دومی شرح آفرینش عالم و گزارش کارهای خدایان است. در ادب لاتینی نیز آثار مهمی همچون در باب طبیعت اشیاء^۳ اثر لوکریتیوس^۴ (قرن اول ق.م)، در شرح و بررسی نظام فکری اپیکوری، وزراعیات اثر ویرژیل در باب کشاورزی و اصول اخلاقی، را می‌توان نام برد (کادن، ص 191). در ادبیات غرب، آثار تعلیمی معمولاً براساس قصه معین و از منظر ترغیبی نوشته می‌شود و در ادب تعلیمی روایی، قصد اصلی گوینده مهم‌ترین عامل در انتخاب قهرمانان و تنظیم طرح داستانی اثر است (آبرامز، ص 45). اصل «تعلیم و لذّت» که سیّدحسینی از آن به «آموزنده و خوشایند» بودن اثر هنری تعبیر کرده است در سراسر عصر قدیم بر ادبیات کلاسیک غرب حاکم بوده است (سیّدحسینی، ج ۱، ص ۱۰۳). همین حقیقت نمایانگر